

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید عطا

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۱

اورپائی که بی "یا" شد

از همه جالب تر برای من این بود؛ مصاحبه ای را که در ماه رمضان امسال (۲۰۱۱) صورت گرفت، چرا از آن حد اقل دو هفته بعدتر پرده برداشته شد و به گوش و چشم عام مردم درآمد.

وقتی در صفحات انترنت به مصاحبه شبکه خبری ایران با شخصی بنام فضل الرحمن اورپا (که برای من به علت بیخبری خودم از اوضاع منطقه این شخص ناشناس بود)، برخوردیم، تعجب کردم، تا مدتی هم باورم نمی شد (حتی همین اکنون نیز با بی باوری آنرا نگاه می کنم!). چگونه امکان دارد که فردی در تلویزیون ایران سخنی گوید که ابدأ حکام ایران اجازه آن را در شبکه های دوستان و ریزه خوارانشان در خارج از ایران ندهند تا این که در شبکه خودشان!، تند باد چنین صدائی که پرده آویخته بر سیاست های واقعی حکومت ایران را به دور اندخته و تندیس لخت آنرا به مشاهده همه برساند.

از سالها است که مردم ما از مداخله بیگانگان در خصوصی ترین! مسایل داخلی ما شکایت دارند، دست درازی های بیگانگان رابر جان، مال و آبروی ملت و کشور ما می بینند، اما هر صدائی که بخواهد از چنین چیزی پرده برداری کند به گونه های مختلف: تطمیع یا تخویف و یا در گلو خفه ساخته می شود.

مردم مصاحبه های زیادی را در مدح و ثنای این و یا آن از وسایل اطلاعاتی شان شنیده اند، آنجائی که مهمان خرید شده افسارش را به دست صاحب خانه (دستگاه تبلیغاتی) داده و مطابق خواست آنها حرف زده است، تشکرات! بیحد و حصری از رفتار حکام آنها در برابر کشور و مردم خود نموده است، بدون اینکه حتی به خاطر رفع مسؤولیت اشاره ای به بدترین اعمال خلاف شان کرده باشند. اما وقتی چنین حرفی را از چنان دستگاه خبری که به مثابه قوه هجومی از آن استفاده می شود، می شنوند، در بهت و حیرت می روند. این بهت زدگی به اندازه شناخت فرد شنونده از ماهیت این دستگاه ها و سیاست های پنهانی حکومت آنها می باشد.

آقای فضل الرحمن اورپا در این مصاحبه از عمق وقائع و ریشه های آن در خارج از مرزهای کشور ما پرده گشائی می کند. وی چیزی را از حلقوم تبلیغاتی خودشان به گوش جهانیان می رساند که خیلی ها یا از ترس...! و یا هم به خاطر پر بودن دهانشان از جیفه آنها حتی در مجالس خصوصی هم گفته نمی توانند.

یکی از نکات جالب برای من در این مصاحبه این بود که گوینده اخبار در جواب آقای اوریا برای جلوگیری از افشای بیشتر و کشاندن وی به جهت دیگر خیلی باتأکید می گوید:

گفته های شما در مورد پاکستان که درست است اما در مورد ایران این نظر شماست (کلام حرفی و دقیق گوینده اخبار و پرسنده از آقای اوریا شاید با این جمله من فرق کند امامفهوم کلی آن همین بود)، حکم کردن بر دیگران از چنین منبری و برائت دادن خود از آنچه که نظر طرف مقابل است خود می رساند که دستگاههای خبری جزء دستگاههای اطلاعاتی (به مفهوم استخباراتی) آن است نه اطلاع رسانی معلومات و وقایع و جریانات برای مردم کشور و خارج از کشور، حتی وی با این مداخله و ابراز نظرش، صفت ژورنالیستی خود را و مظهر سیاست روی پرده حکومت خود را نیز نتوانست حفظ کند.

بدون شک یکی از شیوه های مکارانه سیاسی مداخله گران در امور کشور دیگر این است که برای گم کردن نشان پای خود، مردم کشور مورد نظر را به حق و یا نا حق در پی چیزهایی بکشاند که مردم به آنها و اعمال آنها متوجه نشوند. این سیاست منحصر به ایران هم نیست بلکه در برابر ما غیر از ایران کشور های طماع دیگری هم از چنین سیاستی استفاده می کنند. لذا برای انصراف مردم از کارکرد خودشان، آنها را به اموری می کشاند که در ورای گرد و غبار آن چهره واقعی خود را بپوشانند. امروز در افغانستان خیلی ها پذیرفته اند که در بقای طالبان همینهایی که در ظاهر خود را مخالف و یا در جنگ با آنها معرفی می کنند، نقش اساسی دارند، این دیگر روشن تر شده است که نابودی طالبان و حرکت طالبانی در هر شکل آن در افغانستان، به معنی کوتاه شدن دست های نابکار این مداخله گران آشکار و پنهان در امور کشور ما است، زیرا بهانه و دلیلی که روی آن کارشان را پیش می برند در موجودیت پدیده ای به نام طالبان می باشد، از همین رو است که این دشمنان دوست نمای کشور و مردم ما گاهی به نعل می زنند و گاهی به میخ، تا وضعیت نا هنجار کشور و بدبختی مردم ما در سرتاسر افغانستان ادامه داشته باشد، تا زمانی که آنها به اهداف پنهانی خودشان برسند.

افشای شدن ریختن اسلحه از طیاره برای طالبان توسط آنانی که در ظاهر برای جنگ و نابودی طالبان به کشور ما آمده اند و یا کشف شدن انواع اسلحه و نا آرامیها در مرزهای کشور ما با کشوری که خود را دشمن طالبان می گویند و به خاطر سرنگونی طالبان، به تعبیر خودشان با "شیطان بزرگ" همنا و همکار شدند، از اموری است که پنهان کردن آن دیگر مشکل شده است، ولی آنچه پنهان است بدون شک خیلی بزرگتر و خطرناکتر برای کشور ما و مردم ما از آنچه ظاهر شده است، خواهد بود.

اینکه چرا کار در بند سلما و بند کمال خان به پیش نمی رود **جزئی** از همین سیاستهایی است که به صورت پنهانی برای مردم ما و کشور ما کشیده شده است، ولی برنامه های پنهانی شان در برابر کشور و مردم ما قطعاً بزرگتر از این چیز های **جزئی** خواهد بود.

آقای فضل الرحمن اوریا بدون شک پا را به منطقه ای گذاشت که در کشور ما از محرمانت قطعی بود، به خاطر رعب و وحشتی که دستان نا مرئی آنها ایجاد نموده است، و هرکه در انجام این کار جرأتی کند باید حال و هوای خود را داشته باشد، و از همین رو امید واریم تا آقای " اوریا" بیشتر متوجه خود باشند چون دستان آنها در طی سه دهه مصیبت بار کشور تا گلوی ما رسیده است. من باور دارم؛ آتشی که آقای فضل الرحمن اوریا در پای تلویزیون ایران افروخت دامن کارکنان این شبکه را در کابل و آن نطق مسکینی که با ایشان خواست مصاحبه نماید، قبل از همه گرفته است.

امید است تا این " اور " ی را که آقای فضل الرحمن اوریا شعله ور ساخته است تابشی روز افزونی داشته باشد
برای شناخت چهره حقیقی آنانی که گرگان پوشیده در پوست میش اند.
چه به جا گفته اند که : بزرگترین جهاد، گفتن سخن حق در برابر حکام ظالم است.